استفاده از تعبیر «لهلک الناس» در خصوص وجوب و ضرورت

در مورد روایت قبلی میخواستم این را عرض کنم اما یادم رفت. در مباحثه دیروز موارد خوبی بود که امام تعبیر «لهلک» را فرموده بودند، آن چیزی که بهصورت کلی خدمت ایشان گفتم، این بود که در مستحبات «لهلک» نمیآید. مثلاً آلآن در ماه مبارک رجب میفرمایند ده هزار مرتبه سوره مبارکه توحید را بخوان. میگوییدای وای هلک الناس! کسی این را نمیگوید. ارتکازا نمیشود بگویند هلک الناس. چون مستحب است. وقتی مستحب است خب نخوان. حالا هم حکم سوم الشک، استحباب بود و خودش روزه گرفت و وفّق له. اینجا بگوییم چون امر مستحبی بود، هلک الناس! اما موارد هلک در تشهد، در قنوت و در «کتاب موقوتا» که حضرت بهمعنای مفروض گرفتند، مواردی بود که همه آنها عزیمت بود. یعنی شما یک مورد پیدا کنید که هلک الناس مربوط بهغیرازوجوب و ضرورت باشد. وقتی حکمی لزومی است تناسب اقتضاء میکند که حضرت بفرمایند «لو کان لزوما ًکذا لهلک».

شاگرد: تعبیر «بعینه» برای تأکید است، اگر هم نبود از خود روایت فهمیده میشد.

استاد: من میخواهم تأکیدی نگیرم. تأکیدی است که در استدلال امام علیهالسلام نقش غیرتأکیدی دارد.

شاگرد: اگر «بعینه» نبود چطور میفهمیدیم و حالا هم که هست چطور میفهمیم؟

استاد: او میگوید یک متطوعی داریم که مجزی است. حضرت میفرمایند دو تا ندارید، یکی است؛ بعینه. یعنی تعیینا یک روز را نیت کرده. دو تا نبود که بگوییم آن روز را که گرفتی مجزی از دیگری است. مثلاً بگوییم اگر روزه جمعه را روزه گرفتی، از روزه کفارهای که داشتی مجزی است. روز جمعه را استحبابا نیت کردی، اما از کفارهای که داشتی مجزی است. در اینجا دو تا است؛ صوم کفاره واجب است و صوم یوم الجمعه مستحب است. شما میگوییدصوم یوم التطوع یجزی از کفاره. این خیلی خوب است. دو عنوان است. روزه جمعه را گرفتی و من شارع از ناحیه اجزاء قبول کردم و گفتم یجزی صومک یوم الجمعه از صوم کفارهای که وجوبا از تو میخواستم. امام علیهالسلام میفرمایند «بعینه»، یعنی اینجا به آن صورت نیست. اینجا اینطور نیست که روز جمعه را روزه بگیری و بگوییصوم تطوع است و مجزی از صوم کفاره است. بلکه اینجا یک روز است که بالفعل روزه آن واجب است.

46:09

شاگرد: اگر «بعینه» هم نمی‌آمد «الیوم» کافی بود.

استاد: یعنی تأکیدی است که در استدلال امام مقصود است. من حرفی ندارم که «بعینه» از نظر ادبی تأکید باشد.

شاگرد: اگر امام «بعینه» را هم نمی‌گفتند باز مقصودشان رسیده بود. اما اینجا راحت‌تر رسیده است.

استاد: امام علیه‌السلام این را می‌گویند تا این استدلالشان به نحو واضح تطوع او را در کند و بگویند چون یک روز معین است... . ببینید با جمعه و کفاره می‌توانست دو روز باشد، «علی الیوم»، یوم به چه صورت است؟ تو نیت روز جمعه کردی اما تطوع تو بر روز جمعه واقع شد. ولی خب کفاره هم داشتی و مجزی بود. قضا داشته و تطوع هم گرفته، می‌گویی‌م وقع علی الیوم. نیت روزه تو که بر جمعه واقع شده، وقع علی الیوم المقضی. من می‌خواهم عرض کنم حضرت می‌گویند چون روزه معین است و روزه حکم بالفعل دارد، تخیل تطوع می‌شود. نه وقوع تطوع. در اینجا که واقع نشد. نقطه شروع را به‌عنوان ذهن طلبگی گفتم، شما ممکن است که یک بیانی بیاوری و از نکته دیگری تأکید کنید. منافاتی ندارد. از باب این است که یک وجهی بر استظهاری باشد که در ذهن قاصر من بود.

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 13:56:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 13:58:15 توسط ... .